

## نقش و جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی در سیاست بین الملل

مهدی جاودانی مقدم  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

### چکیده:

انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان، مهمترین عامل تأثیرگذار در الگوهای رفتاری نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این گفتمان، دال مرکزی اسلام سیاسی، نظم گفتاری و کرداری و افق دید نظم گفتمانی آن را شکل داده و نظام معنایی و سیاست‌های داخلی و خارجی آن را به وجود آورده است. این چارچوب گفتمانی به عنوان پادگفتمان مسلط شوونیسم ایرانی و شبه مدرنیسم غربی پهلوی، روایت پردازی متفاوتی از نظام ارزش‌ها، قواعد و معانی و جهان‌بینی را برای سیاستگذاران نظام جمهوری اسلامی، دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارائه داده و زمینه ساز تغییرات مهمی در اندیشه‌های سیاسی و ساختار نظام منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است. از سوی دیگر این مسئله عملاً سبب شکل‌گیری خرده گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های موازی و رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز شده است. براین اساس با توجه به اهمیت درک عناصر گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیرات آن در سیاست بین‌الملل، نویسنده در این مقاله در ابتدا به بررسی ماهیت، ابعاد و اصول گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته و سپس تأثیرات آن بر اندیشه‌های بین‌المللی و تأثیرات عملی آن در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی را ارزیابی کرده و رویکرد کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و چالش‌ها و موانع فراروی گفتمان انقلاب اسلامی را برشمرده است.

**کلید واژه:** گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی، سیاست بین الملل، سیاست خارجی.

## مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران بی‌شک از مهمترین وقایع سیاسی عصر حاضر بوده که تأثیرات وسیعی در سیاست بین‌الملل و در نظام تعاملات منطقه‌ای در خاورمیانه بر جای گذاشته است. این مسئله متأثر از ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی غایت‌گرا، آرمان‌گرا، اسلام‌گرا و عالمگیر که ریشه در سنت اسلام داشته و از سوی رهبری فرهمند و بی‌نظیر در جهان اسلام هدایت می‌شد پدید آمده است. این گفتمان انقلابی، با بازتعریف بنیادین دو حوزه سیاست داخلی و خارجی متأثر از دال مرکزی اسلام سیاسی، معیارهای متفاوتی از «خود» و «دیگر» در عرصه ملی و فراملی ارائه داده و با تأکید بر سیاست جهان‌شمول خود، نه تنها در جهان اسلام و جنبش‌های اسلامی معاصر تأثیری شگرف بر جای گذاشت بلکه در حوزه اندیشه سیاسی در نظام بین‌الملل نیز منشأ تغییراتی گردید. از سوی دیگر عناصر گفتمان انقلاب اسلامی برخلاف اصول رایج دیپلماسی و سیاست خارجی، پایه‌گذار بنیان‌های نظری و عملی نوینی شد که با اهتمام به حاکمیت آرمان‌ها و ارزش‌های مذهبی، زمینه احیاء و نهادینه شدن جنبه‌های آزادی‌خواهانه، انقلابی و استقلال‌طلبانه مبارزات ملل اسلامی و کلیه جنبش‌های آزادیبخش را پدید آورد. این مسئله با انتقال پیام‌های بخش انقلاب اسلامی به سراسر جهان و تأثیرپذیری نظری و عملی از آن و بازتاب‌های گسترده آن در منطقه و جهان، قدرت‌های بزرگ جهانی و دولت‌های محافظه‌کاری که به دنبال حفظ وضع موجود بودند را عملاً با چالش‌های جدید مواجه ساخت زیرا که گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان مسلط و غالب غربی را به چالش کشیده و نظم حاکم بر روابط بین‌الملل را مورد تهدید قرار داده و به دنبال بسیج کانون‌های مقاومت در برابر گفتمان هژمونیک سیاست بین‌الملل برآمده بود. در این میان، برخی از مهمترین ابعاد بین‌المللی گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از منظومه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی مانند چالش نظم موجود و پذیرفته شده در روابط بین‌الملل و بلوک بندی‌ها و صف‌بندی‌های ساختار کلان نظام بین‌الملل، بیداری و احیاء تفکر اسلامی به عنوان قدرتی تعیین‌کننده در مناسبات سیاسی بین‌المللی، ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی و به چالش کشیدن ماهیت و موجودیت رژیم صهیونیستی و جهانی سازی مبارزه با آن، عملاً به اصطکاک و تقابل گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان مسلط غربی و جریان‌ات محافظه‌کار و وابسته در پویش‌های سیاسی امنیتی منطقه و نظام بین‌الملل منجر گردید. براین اساس، تلاش‌های بسیاری از سوی آنان برای مقابله با گسترش اصول، ارزش‌ها، مفاهیم و به طور کلی شالوده‌های اساسی تفکر گفتمان انقلاب اسلامی به شیوه‌های گوناگون صورت گرفت. با این وجود، علی‌رغم اعمال محدودیت‌ها و فشارهای جهانی و منطقه‌ای برای مقابله با اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در عصر کنونی،

سیاست خارجی ایران علی‌رغم تحولات درون‌گفتمانی نظم معنایی گفتمان انقلاب اسلامی را حفظ کرده و ایران همچنان به عنوان محور ام‌القرابی جهان اسلام و نماد جریان استقلال طلبی، مبارزه با استکبار و استبداد شناخته شده و رشد اسلام‌گرایی سیاسی فزاینده در جوامع اسلامی و غربی نیز تداوم یافته است.

### تحلیل گفتمانی بازتاب انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که در قرن بیستم به وقوع پیوسته و به عنوان نقطه عطفی در انقلاب‌های جهان مطرح شده است با این وجود بسیاری از پژوهشگران سیاسی در بررسی ماهیت انقلاب و به ویژه سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی با پدیده‌ای پیچیده مواجه شده که از نظر آنان با تناقضات و پارادوکس‌هایی همراه است. این مسئله در اکثر موارد به سبب رویکردهای تئوریک اثبات‌گرایانه و به ویژه نظریات قوم‌مدار واقع‌گرا یا آرمان‌گرایانه آنان در تبیین انقلاب اسلامی و سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است زیرا که این نظریات تقلیل‌گرا، با یکسان‌نگاری ماهیت کلیه کشورهای جهان و شرایط و متغیرهای مؤثر در رفتار آنان، عملاً با نوعی قضاوت ارزشی و پیش‌داوری در مطالعات خود به بررسی انقلاب ایران پرداخته‌اند. از سوی دیگر در بسیاری از این نظریات به ساختارهای غیرمادی مانند فرهنگ و ایدئولوژی که نقش اصلی را در تعیین و قوام سیاست‌های یک نظام دارند توجهی نشده است.

با این وجود، نظریات فرااثبات‌گرایی مانند سازه‌گرایی یا تحلیل گفتمانی، که سیاست‌های یک نظام را با تأکید بر عناصر فرهنگی و هویتی آن توضیح می‌دهند، توانسته‌اند به بررسی دقیق‌تری از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رفتارهای آنان پردازند. در این میان، نظریه تحلیل گفتمان به دلیل بررسی نظام ارزش‌ها، قواعد و مبانی در یک زمینه زبانی که بازیگران از طریق آن جهان را درک می‌کنند، قابلیت تحلیلی بسیاری دارد.

نظریه گفتمان هر چند ریشه‌های قوی در سنت‌ها و دیدگاه‌های نظری گذشته دارد اما رویکردی نسبتاً نو در تحلیل سیاسی است. این نظریه از رویکردهای نویسندگان مارکسیست مانند آنتونیو گرامشی و لوئی آلتوسر استفاده کرده و ایده‌ها و مفروضات خود را از نظریه پردازان فرامدرنیست مانند میشل فوکو و ژاک دریدا اقتباس می‌نماید (۱) در این میان، از نظر فوکو، گفتمان به صورت شبکه‌های معنایی یا نظامی از اشیاء است که رفتار آدمی را شکل می‌دهد و انسان‌ها به واسطه آن، هویت و اجتماع خود را تعریف کرده و از طریق آن قادر هستند جهان را فهم و درک کنند. بنابراین اشیاء و کنش‌ها تنها به عنوان جزئی از یک نظام معانی گسترده (گفتمان) قابل درک و فهم می‌باشند. در واقع معنای اجتماعی گفتارها،

کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با بستر و زمینه کلی‌ای که بخشی از آن هستند، درک می‌شود لذا موضوعات و مفاهیم برای معنادار بودن باید بخشی از یک چارچوب گفتمان گسترده باشند. (۲)

این مفهوم پردازی از گفتمان به معنای رابطه‌ای بودن هویت گفتمان است یعنی گفتمان، هویت خود را از طریق رابطه‌ای که بین عناصر مختلف برقرار می‌کند کسب می‌کند چنانچه یک بازی فوتبال تا زمانی فوتبال است که در درون یک نظام قوانین رسوم اجتماعی (یعنی نظام قوانینی که به موجب آن فوتبال به یک ابژه فیزیکی صرف محدود نمی‌شود) قرار گرفته باشد بنابراین در منطق گفتمانی، یک شیء مستقل از نظام روابط اجتماعی، هستی دارد اما این شیء در بستر یک ترکیب گفتمانی خاص به تصویر مشخص دلالت می‌کند یا به یک ابژه زیباشناختی تبدیل می‌شود چنانچه یک قطعه الماس چه در بازار، چه در اعماق دریا، یک ابژه فیزیکی است اما زمانی آن الماس، یک هستی با مفهوم محسوب می‌شود که در درون یک نظام خاص از روابط اجتماعی قرار گرفته باشد. (۳) مثال دیگر در این زمینه یک تکه سنگ است که بسته به زمینه اجتماعی‌ای که در آن قرار گرفته می‌تواند به عنوان یک آجر برای ساختن یک خانه، یک جسم پرتاب شونده در جنگ، یک موضوع بسیار با ارزش یا یک مکشوف باستان‌شناسی تصور شود. (۴) تمام معانی و هویت‌های متفاوتی که این قطعه مادی به خود گرفته بستگی به نوع خاص گفتمان و شرایطی دارد که به آن معنا یا هستی می‌بخشد. براساس این دلایل، این گفتمان است که وضعیت ذهنی سوژه اجتماعی را شکل می‌دهد (نه برعکس) بنابراین اشیاء برای اینکه قابل فهم باشند باید به عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشند.

از سوی دیگر در نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و وشتال موفه، همه چیز ماهیتی گفتمانی دارد و یا نوعی سازه گفتمانی است و در رابطه با دیگر اشیاء معنا می‌یابد. لذا گفتمان هم سازنده و هم برساخته است و در تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی دخیل و منعکس‌کننده آن است. در واقع گفتمان‌ها در خلأ تولید نمی‌شوند و در فضایی از باورها و معانی نظام‌مند و در بستر و درون جامعه به وجود می‌آیند. (۵) در این میان، دو فضای اساسی و متفاوت که گفتمان‌ها در درون آن رشد می‌کنند، فرهنگ و ایدئولوژی است. با این وجود، گفتمان‌ها همان ایدئولوژی یا فرهنگ به معنای سنتی یعنی مجموعه‌ای از ایده‌ها که توسط آن کنشگران اجتماعی به توضیح و توجیه کنش سازمان یافته اجتماعی خود می‌پردازند نیست. در این زمینه فوکو، گفتمان را عام‌تر از ایدئولوژی سیاسی می‌داند به گونه‌ای که ممکن است سازوکارهای آن مرزهای چند ایدئولوژی را در نوردد. (۶) براین اساس، کلیه معانی، کنش‌ها و رفتارهای یک نظام سیاسی نیز همگی در ارتباط با زمینه کلی‌ای که جزئی از آن هستند (گفتمان) درک

می‌شود. در واقع هر معنا در ارتباط با رفتار کلی که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفت‌وگو خاص فهمیده می‌شود. بنابراین در صورتی می‌توان یک فرایند را درک کرده و توضیح داد که رفتار و گفت‌وگویی که در درون آن، فرایندهای مذکور اتفاق می‌افتد را درک کنیم چنانچه به عنوان مثال کشیدن یک خط بر روی یک برگه کاغذ و قرار دادن آن در یک صندوق (عمل رأی دادن در یک انتخابات)، تنها درون نظامی متشکل از قواعد، رویه‌ها و نهادهایی که ما آن را دموکراسی می‌نامیم معنا می‌یابد. بنابراین اهمیت رأی دادن در ارتباط با دیگر رفتارها و موضوعاتی که جزئی از آن است قابل درک است. (۷)

در این میان، گفت‌وگو انقلاب اسلامی را باید به عنوان اعتراض اجتماعی و سیاسی علیه گفت‌وگو مسلط شوونیسیم ایرانی و شبه مدرنیسم غربی تلقی کرد که از اصطکاک و دیالکتیک میان گفت‌وگو مسلط شباهت با غرب و پادگفت‌وگوهای تفاوت با غرب به وجود آمد زیرا که از یک سو در دوره پهلوی، اسلام و هویت اسلامی به مثابه پدیده‌های تحمیلی به ایرانیان تلقی شده که هدفی جز آلوده کردن اصالت و هویت شفاف آن را نداشته است و از سوی دیگر گفت‌وگو قدرت در این دوره که به عنوان یک گفت‌وگو هرژمونیک از بالا و توسط قدرت سیاسی باز تولید و درون جامعه منتشر می‌شد گفت‌وگو شباهت با غرب بوده که در درون آن، یک ارتباط و مبادله میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ غربی از قدیم بازنمایی می‌شد. بنابراین برجسته کردن شباهت‌ها از طریق برجسته کردن اخذ تمدن ایرانی توسط تمدن غربی و اخذ تمدن غربی توسط تمدن ایرانی و ترکیب آن‌ها ویژگی اصلی گفت‌وگو پهلوی بود. در این گفت‌وگو، دال‌های «مدرنیزاسیون»، «تجددگرایی» و «تمدن بزرگ» نیز بخشی از نظم گفت‌وگویی بود که راه رسیدن به تمدن غربی و هم تراز شدن با کشورهای صنعتی را در مدرنیزاسیون و تجددگرایی دنبال می‌کرد.

در کنار گفت‌وگو مسلط و هرژمونیک پهلوی گفت‌وگوهای اجتماعی دیگری نیز شکل گرفتند که بر تفاوت با غرب تأکید کردند. این پادگفت‌وگوها بر ذاتی اصیل و متمایز از غرب و بر بازنمایی افتراقی مبتنی بودند. در این میان پادگفت‌وگوهای تفاوت با غرب با دال‌های متفاوتی مانند دال «غرب زدگی»، دال «اسلام»، دال «خویش‌شن اصیل» و دال «حاشیه»، گفت‌وگوهای غرب زدگی، اسلام‌گرایی، بازگشت به خویش‌شن و حاشیه‌گرایی چپ را به وجود آورده بودند. (۸) در این شرایط، اصطکاک و دیالکتیک گفت‌وگویی در ایران، به سنتز گفت‌وگو انقلاب اسلامی منجر شد که از یک سو جنبشی در مقابل «دیگر» ایدئولوژیک خواندن اسلام در دوره پهلوی و تلاش برای احیاء و بازسازی هویت اسلامی بود و از سوی دیگر بر گفت‌وگو تفاوت با غرب متکی بود. بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی، گفت‌وگو هویتی جدیدی در ایران مسلط گردید که با ایدئولوژیک کردن بافت هویتی اسلامی ایرانیان و تأکید بر تفاوت

با «دیگران»، جنبش اجتماعی جدیدی را به وجود آورد که اهداف و منافع ملی خود را براساس هویت ایدئولوژیک اسلامی و گفتمان در حال گذار انقلابی که سر مقصد نهایی آن پیروزی حق بر باطل بود تعریف می‌کرد. در این گفتمان هویتی جدید، نظام جمهوری اسلامی ایران مقدمه و زمینه‌ای برای تحقق اهداف کلان سیاسی و ایدئولوژیک تلقی می‌شد بنابراین اسلام و نظام جمهوری اسلامی نیز به عنوان جنبش (و نه دولت ملتی) برای تحقق اهداف اسلامی تعیین گردید زیرا که گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام سیاسی، با تفکیک دارالاسلام و دارالکفر و چشم انداز نهایی تحقق امت واحده اسلامی، جمهوری اسلامی را به جنبشی اجتماعی و در حال گذار تبدیل کرد.

براین اساس، کلیه معانی، کنش‌ها و رفتارهای نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نقش گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در ساخت و بازتولید اهداف و منافع ملی، در شرایط مختلف قابل تبیین است. با این وجود باید توجه داشت که گفتمان انقلاب اسلامی نیز مانند سایر گفتمان‌ها، از لحاظ تاریخی حدوثی و اقتضائی و دارای ساختی سیاسی است که در آن رابطه دال و مدلول ثابت نبوده و دال‌های گفتمان به هنگام کاربرد آن معنایشان را بدست می‌آورند. لذا این گفتمان نیز محصولی تاریخی بوده و همواره نوعی رابطه متقابل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان آن و بستر اجتماعی وجود دارد این مساله سبب منازعات معنایی و سیالیت گفتمانی در گفتمان انقلاب اسلامی و رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران و چرخش‌های گفتمانی و ساخت خرده گفتمان‌ها و تحول «در» و «از» گفتمان می‌شود اما در این میان، بعضی از عناصر گفتمان در مقایسه با عناصر دیگر آن از استمرار و ثبات بیشتری برخوردار بوده و به سادگی دستخوش تغییر و تحول نمی‌شوند. بنابراین نوعی ثبات در عناصر گفتمانی و به تبع آن در کنش و رفتار سیاسی انقلاب اسلامی وجود دارد.

ماهیت و ابعاد گفتمان انقلاب اسلامی  
گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مهمترین دلیل تمایز انقلاب ایران و رفتارهای نظام سیاسی برآمده از آن و ماهیت خاص و منحصر به فرد آن می‌باشد. این مساله نیز متأثر از منظومه دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی و نظام معنایی آن و بویژه دال مرکزی آن یعنی اسلام سیاسی است که سبب تمایز این انقلاب از انواع انقلاب‌های طبقاتی، لیبرال و ایدئولوژیک شده و ارزش‌ها، اصول و باورهای متفاوتی را در قالب گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده است. بر این اساس گفتمان انقلاب اسلامی متأثر از ماهیت متمایز انقلاب ایران و ابعاد بین‌المللی آن شکل گرفته و تداوم یافته است.

#### الف) ماهیت اسلامی گفتمان انقلاب

به طور کلی با سیری در آرا و نظرات اندیشمندانی که در خصوص انقلاب به نظریه پردازی

پرداخته‌اند، انقلاب‌های جهان را می‌توان به سه دسته متفاوت تقسیم‌بندی کرد که در عوامل ظهور، تداوم، ماهیت، اصول و ارزش‌های انقلابی متمایز هستند:

۱. انقلاب‌های طبقاتی: این انقلاب‌ها در شرایطی به‌وقوع می‌پیوندند که شکاف طبقاتی میان طبقات موجود در جامعه به‌وجود می‌آید. براین اساس طبقات فرودست با آگاهی از وضعیت خویش و در راستای کسب قدرت سیاسی و اقتصادی، انقلاب را به‌عنوان تنها راه نجات‌بخش خود برگزیده و به قیام علیه نظام سیاسی اقدام می‌کنند.

۲. انقلاب‌های لیبرال: این انقلاب‌ها زمانی محقق می‌شوند که مبانی و اصول ارزشی لیبرال مانند فردگرایی، آزادی و دموکراسی مورد هجوم قرار گرفته و پایمال شده است. در واقع تضییع حقوق فردی، سلب آزادی و استقرار نظامی غیردموکراتیک زمینه‌ساز ظهور انقلاب‌های لیبرال می‌شوند. در این شرایط مردم به امید بازسازی جامعه به سمت نظامی دموکراتیک، در تحولی آگاهانه خواستار تأمین حقوق برابر از جمله حق تعیین سرنوشت، حق مالکیت، آزادی عقیده و بیان شده و به دنبال حکومتی مبتنی بر نمایندگی مردم و کاهش قدرت مطلقه حاکمان بر می‌آیند و انقلاب می‌کنند.

۳. انقلاب‌های ایدئولوژیک: این انقلاب‌ها در شرایطی شکل می‌گیرد که مردم، ارزش‌ها و طرح‌های آرمانی ایدئولوژیک و مکتبی که به آن اعتقاد دارند را تحقق نیافته می‌بینند بنابراین نیروهای مردمی به‌دنبال جایگزینی نظام سیاسی با بدیل انقلابی هستند که در راستای تحقق آرمان‌های ایدئولوژیک آنان اقدام نماید. در این انقلاب‌ها، عنصر رهبری نقش مهمی داشته و با سازمان‌دهی نیروهای مردمی در چارچوب ایدئولوژی انقلابی، قیام انقلابی صورت می‌گیرد.

در این میان، انقلاب اسلامی ایران علی‌رغم اینکه از نظر برخی از اندیشمندان و پژوهشگران انقلاب در قالب سه دسته انقلاب طبقاتی، لیبرال و ایدئولوژیک تئوریزه شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است، اما ماهیتی متمایز و منحصر به فرد دارد، در واقع اگرچه برخی بر جنبه‌های مادی و اقتصادی و شکاف طبقاتی، نظام استبدادی پهلوی و نقض آزادی‌های سیاسی اجتماعی و به‌ویژه بر ماهیت ایدئولوژیک انقلاب ایران تأکید دارند و انقلاب ایران را براساس سه نظریه مذکور، انقلابی طبقاتی یا انقلابی با ماهیت سیاسی و آزادخواهانه و یا انقلابی ایدئولوژیک معرفی می‌کنند اما انقلاب ایران در برگیرنده تمام ابعاد و جنبه‌های مذکور است. به‌عبارت دیگر انقلاب ایران همه عوامل اقتصادی، سیاسی و عقیدتی را یکجا در برداشته و تأمین‌کننده همه جنبه‌های آن است. این مسئله نیز متأثر از ماهیت منحصر به فرد اسلامی انقلاب ایران است. این ماهیت اسلامی انقلاب سبب شده که همه عوامل و جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و عقیدتی، جزئی از ماهیت آن محسوب شوند، زیرا که ماهیت انقلاب

مبتنی بر ماهیت دین اسلام به‌عنوان دین جامع و کاملی که برنامه تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر را طراحی کرده، عملاً تمامی جنبه‌های زندگی را نیز مورد توجه قرار داده است. (۹) براین اساس، انقلاب اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای از انقلاب انبیا و به‌خصوص انقلاب صدر اسلام: «در همان حالی که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال، انقلابی سیاسی نیز بود و در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی نیز بود، انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود، یعنی حریت، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلام است... راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر مادی (اقتصادی) و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آن، در خود قرار داده است» (۱۰)

ماهیت اسلامی انقلاب ایران، زمینه تمایز آن از دیگر انقلاب‌های جهان را به‌وجود آورده و رمز پویایی و ماندگاری آن شده است. این ماهیت انقلاب ایران، علاوه بر تحولات سیاسی اجتماعی داخلی، زمینه‌ساز تبلور گفتمان نوینی در سیاست بین‌الملل شده و تأثیرات وسیعی در سطح منطقه و جهان برجای گذاشته است.

#### ب) عناصر و مفصل بندی گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک تحول بزرگ در تاریخ ایران و نقطه عطف مهمی در تاریخ منطقه و جهان، بازتاب اصول و قواعد فقهی و مبانی نظری سیاست یک نگرش اسلامی است که در قالب گفتمان انقلاب اسلامی متجلی شده است. در واقع ایدئولوژی سیاسی انقلاب اسلامی که از آموزه‌ها و ارزش‌های اصل سیاسی اسلامی ریشه گرفته‌اند، بنیادهای نظری و عملی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان دولتی اسلامی تبیین کرده‌اند. در این میان مهم‌ترین بنیادها و اصول گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی و به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی عبارت‌اند از:

۱. پیوند دین و دولت: اولین و مهم‌ترین اصل مؤثر در گفتمان انقلاب اسلامی، محوریت دین و پیوند آن با سیاست است. این اصل سبب تمایز انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌های جهان شده و در آخرین دهه‌های قرن بیستم، خط بطلانی بر اندیشه‌های سکولاریسم بوده است. بر این اساس، دین نه تنها به‌عنوان امری صرفاً فردی و خصوصی بلکه به‌عنوان نظامی متکامل و مترقی، در بردارنده نگرش جامع نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که می‌تواند علاوه بر تقنین قوانین الهی، نسبت به تنفیذ و اجرای حدود و احکام اسلامی نیز اقدام کند. این تلقی از اسلام به‌عنوان دین حداکثری، با اعتقاد به ارتباط دین و دولت از دو منظر برون حکومتی و درون حکومتی، جهت‌گیری‌های دولت اسلامی را بر مبنای برنامه‌ای اسلامی تنظیم و تدوین می‌کند. (۱۱)



۲. آرمان‌گرایی فعالانه: انقلاب اسلامی ایران در زمانی شکل گرفت که نظام جهانی بر پایه گفتمان هژمونیک غربی به مدت چهار قرن به‌عنوان یک امر بدیهی و تثبیت شده در جامعه جهانی پذیرفته شده بود و هر نوع تحولی که در قالب گفتمان جدید به صورت گفتمان‌های ایدئولوژیک و انقلابی مطرح شده بود نیز تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی گفتمان غرب قرار گرفته بودند. در این شرایط گفتمان انقلاب اسلامی برای اعتلای آرمان‌ها و ارزش‌های گفتمانی خود، در رویارویی با مسائل بین‌المللی و جهانی، به عنوان پادگفتمان هژمونیک غربی، رویکردی فعال و مقتدرانه را در تقابل با آن برگزید. (۱۲) این رویکرد از یک سو سبب برهم خوردن نظم گفتمانی موجود و رویارویی قدرت‌های مسط نظام بین‌الملل با ایران شده و از سوی دیگر زمینه گسترش صدور آرمان‌های اسلامی گفتمان انقلاب ایران را به‌وجود آورد. این مساله همچنین زمینه تقویت قدرت نرم‌افزاری ایران در منطقه و در جهان شده و گفتمان اسلام سیاسی را به عنوان یک پادگفتمان جدید در تقابل با نظام گفتمان هژمونیک غربی در منطقه و جهان قرار داد.

۳. تقابل با نظام سلطه (استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و وابستگی): یکی دیگر از محورهای گفتمان انقلاب اسلامی، که آنرا به گفتمان ضد قدرت تبدیل کرده است، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و به‌طور کلی مبارزه با استکبار بوده است. این مسئله متأثر از قاعده نفی سبیل به‌عنوان اصل تجدیدنظرطلبانه گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته که ساختارها و هنجارهای بین‌المللی کنونی را طرد کرده و بر ضرورت رهایی از هرگونه سلطه و وابستگی تأکید کرده است.

۴. نه شرقی، نه غربی: این اصل که یکی از شعارهای مردم در بحبوحه انقلاب و بر گرفته از نفی سلطه‌جویی آمریکا و شوروی در فضای جنگ سرد بوده است، ایدئولوژی انقلاب اسلامی را به صورتی پویا و مبتنی بر اصول ارزشی قرار داده و بافت سیاسی جهان را از تعامل ایدئولوژیک کمونیسم به کاپیتالیسم به تقابل مادی‌گری معنویت‌گرایی تغییر داد. در واقع نه شرقی، نه غربی با باز تولید گفتمان تفاوت با غرب و شرق، مرزهای هویتی گفتمان را ترسیم و هویت گفتمانی جدیدی را بوجود آورد. از سوی دیگر این اصل عملاً با کاهش حیثیت سیاسی ابرقدرت‌ها، جایگاه جهان سوم و کشورهای عدم‌تعهد را در نظام دو قطبی ارتقا بخشید.

۵. گفتمان عدالت؛ اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم: هویت رهایی بخشی در گفتمان انقلاب اسلامی از طریق مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم (با استناد به سیره انبیا که برنامه آن در دو کلمه «نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید». خلاصه می‌شود) تعیین شده است. این مسئله مهم‌ترین دلیل پویایی انقلاب اسلامی و گسترش موج آرمان‌گرایی سیاست خارجی

ایران و حمایت و تأثیرپذیری جنبش‌های آزادی‌بخش از نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. از سوی دیگر بین‌المللی کردن عنصر گفتمانی مبارزه با ظلم و تأکید بر گفتمان عدالت در نظام بین‌الملل، سبب احیای بیداری اسلامی در جهان اسلام و هویت‌بخشی به کلیه مستضعفان و مظلومان جهان در قالب یک بلوک مستقل در مقابل مستکبرین شده است.

۶. تأکید بر ضرورت یکپارچگی و همبستگی ملل مسلمان و انسجام اسلامی: یکی دیگر از اصول بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی تلاش برای وحدت جهان اسلام بوده است. چنانچه امام خمینی (ره) در این باره سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: «برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم». (۱۳) در واقع اگر چه گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت رهایی‌بخشی آن، باز تولید تفاوت و تقابل با گفتمان غرب و شرق و افق دید کلان‌نظم گفتمانی آن در سیاست بین‌الملل یک گفتمان جهانی است اما نقطه ثقل این گفتمان با محوریت جهان اسلام صورت بندی شده است بنابراین انقلاب اسلامی با تأکید بر وضعیت نابسامان مسلمانان و مستضعفان جهان در گفتمان قدرت، در صدد رهایی بخشی آنان از سلطه استکبار جهانی بوده است. این مسئله سبب شده که اگر چه بسیاری از سران کشورهای اسلامی در راستای حفظ وضع موجود کمتر به این موضوع توجه کرده و حتی در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرند، اما روح تازه‌ای در کالبد جریانات اصولگرای اسلامی در منطقه دمیده شده و روند معادلات جدیدی در خاورمیانه شکل گیرد.

۷. تأکید بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و روابط عادلانه: اگر چه گفتمان انقلاب اسلامی، نظام سلطه را نفی کرده و با تأکید بر اصل عدالت در روابط بین‌الملل، به دنبال حمایت از مستضعفین و مظلومین جهان یا وحدت مسلمین است، اما اصل احترام متقابل و ضرورت روابط صلح‌آمیز و مسالمت‌آمیز متقابل با دول غیر متحارب بر پایه مبانی اسلامی و انسانی همواره مورد تأکید بوده است، چنانچه امام خمینی (ره) در این زمینه فرموده‌اند: «ما روابط دوستانه با همه ملت‌ها داریم و دولت‌ها هم اگر با ما به‌طور احترام‌آمیز رفتار کنند احترام متقابل را داریم». (۱۴) لازم به ذکر است که در گفتمان انقلاب، علی‌رغم تأکید بر روابط با همه کشورها، اولویت‌بندی و نوع روابط با کشورها مبتنی بر ماهیت نظم معنایی گفتمان مانند تفکیک دارالاسلام از دارالکفر، اصل تولی و تبری، تألیف قلوب و نفی سبیل تعیین می‌شود.

۸. تأکید بر دیپلماسی مردم‌محور و توجه ویژه به ملت‌های جهان: گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت مردمی و اسلامی خود و با توجه به نقش مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع و همچنین مقاومت‌ها و یا تقابل گفتمانی دولت‌های محافظه‌کار و طالب وضع موجود،

تأکید ویژه‌ای بر ضرورت نقش مردم به‌عنوان پشتوانه سیاست‌های انقلاب و جایگاه آنان در تعامل با ملت‌های عدالت‌خواه جهان داشته است. بر این اساس گفتمان انقلاب اسلامی دال دولت‌سالاری در نظام بین‌الملل را نپذیرفته و بر یاست‌های ملت‌گرایانه در روابط بین‌الملل تأکید و درصدد ارتباط با ملت‌های جهان بوده است. این مسأله خصلت جنبشی را به گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک در مسیر شدن و گذار داده و آنرا از یک گفتمان دولت‌محور به گفتمانی بسط‌محور و غایت‌گرا سوق داده است.

۹. حفظ مصلحت دولت اسلامی: این عنصر گفتمانی براساس اصول اساسی اسلامی یعنی "حفظ یک نظام اسلامی از اوجب واجبات است" شکل گرفته است. از سوی دیگر از آن جایی که مسئله امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور در صدر اهداف و اصول سیاست‌های همه دولت‌هاست. بنابر این در گفتمان انقلاب اسلامی، اصل حفظ مصلحت دولت اسلامی در راستای گذار از ضروریات واقع‌گرایانه تحمیلی نظام بین‌الملل بر یک دولت اسلامی به‌وجود آمده است. بر مبنای این اصل، مصلحت یک دولت اسلامی اقتضا می‌کند تا در شرایطی سیاست خارجی دولت اسلامی در گذار از چالش آرمان‌گرایی واقع‌گرایی، براساس ضرورت بقای آن دولت، ماهیتی واقع‌گرایانه پیدا کرده و به سازگاری با هنجارها و اصول نظام بین‌الملل منجر شود. (۱۵)

۱۰. اصل دعوت و جهاد: یکی دیگر از شالوده‌های بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی ایران که ماهیت روابط خارجی آن را از دیدگاه اسلامی تبیین کرده است اصل دعوت و جهاد است. در واقع این اصل با توجه به رسالت جهانی دین اسلام در قبال سعادت کلیه انسان‌ها و ضرورت تبلیغ آن براساس چشم‌انداز نهایی حق بر باطل، نوعی تکلیف سیاسی و دینی دولت اسلامی است. (۱۶) اصل دعوت با پیوند با مسئله صدور انقلاب، ماهیت بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی را تقویت کرده و به دنبال ترسیم جامعه مطلوب و ارائه الگویی جهت نیل به آن است. از سوی دیگر در گفتمان انقلاب اسلامی همزمان با تأکید بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و مصلحت دولت اسلامی، با تکیه بر مسئله جهاد و جایگاه آن در اندیشه اسلامی، بر جهاد دفاعی به‌عنوان یک تکلیف الهی و رسالت حراست از ارزش‌های معنوی انسانی در راستای استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی عدالت‌جویی تأکید شده است. در این میان مسلماً فرهنگ شهادت‌طلبی و مقاومت نیز جزئی از دیپلماسی دعوت و جهاد در گفتمان انقلاب اسلامی و از وجوه تمایز آن با دیگر گفتمان‌های انقلابی است.

### ج) رسالت بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از دو ویژگی عمده برخوردار بوده است. ویژگی اول آن ماهیت اسلامی انقلاب اسلامی بوده که گفتمان جدیدی با اصول، ارزش‌ها،

هنجارها و رویه‌های بدیعی را به وجود آورده است. ویژگی دوم انقلاب اسلامی که متأثر از ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی است، جنبه‌ها و ابعاد بین‌المللی و جهانی آن می‌باشد که عملاً انقلاب اسلامی ایران را به پدیده خاص و مهمی در تحولات سیاسی اجتماعی در سطح منطقه و در نظام بین‌الملل تبدیل کرده است. در این میان جهان‌شمولی انقلاب و رسالت‌های جهانی آن، مهم‌ترین ابعاد بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. در واقع جهان‌شمول انقلاب اسلامی تحت تأثیر ماهیت اسلامی آن و نگرش جهانی دین اسلام جزء لاینفک گفتمان انقلاب اسلامی است، چنانچه امام خمینی (ره) در این زمینه فرموده‌اند:

نهضت ایران، مخصوص به خودش نبوده و نیست، برای اینکه اسلام اختصاص به طایفه خاصی ندارد. ما که نهضت کردیم برای جمهوری اسلامی بوده است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور به یک کشور باشد و نه حتی به تمام کشورهای اسلام». (۱۷)

این ماهیت جهان‌شمول گفتمان انقلاب، رسالت‌هایی را نیز در قبال جهان بر دوش آن گذاشته که عملاً توجه به آنها در سیاست‌های جمهوری اسلامی است که ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی را به عنوان رویکرد جدیدی در نظام بین‌الملل ترسیم نموده است. در این میان، مهم‌ترین رسالت‌های جهانی گفتمان انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

۱. تغییر معادلات سیاسی جهان: یکی از اهداف و رسالت‌هایی که انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری، آن را دنبال می‌کند، اتخاذ سیاست و رویه‌ای مستقل و متفاوت از دو بلوک شرق و غرب و مبتنی بر نه شرقی و نه غربی بوده است. بر این اساس اصول و مفاهیمی همچون عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، نفی سلطه‌طلبی، ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی توسط انقلاب اسلامی در فضای نظام بین‌الملل مطرح گردیده و انقلاب اسلامی خود را خارج از قطب‌بندی‌های رایج نظام بین‌الملل قرار داده و درصدد تغییر معادلات سیاسی جهانی برآمده است در این راستا امام خمینی (ره) نیز بر این رسالت جهانی این گونه تأکید فرموده‌اند:

«ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تا به حال به‌واسطه آن، تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود، چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم... ما این سنگ بنا را خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراهای بر این پایه بنا کنند؛ نه بر پایه نفوذ سرمایه‌داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هر کسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند. (۱۸)

۲. صدور انقلاب: با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران، موضوع ضرورت صدور انقلاب به یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی تبدیل شد. در

واقع هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به کار حکومت جدید، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف براساس اصل دعوت، در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در راستای تبلیغ پیام الهی در سراسر جهان معین کرده است. در چنین شرایطی امام خمینی (ره) با مطرح کردن ایده صدور انقلاب و نهضت مستضعفین علیه مستکبرین، رسالت جهانی انقلاب اسلامی را گوشزد کردند:

«ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم، زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌شود و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، کمر به نابودیمان بسته‌اند و اگر ما در محیطی بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان برخوردی مکتبی می‌نماییم.» (۱۹)

مسئله صدور انقلاب اگرچه یکی از مهم‌ترین ابعاد بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی است، اما در آن زمان و پس از آن به دلیل تبلیغات منفی گفتمان قدرت در نظام بین‌الملل و منازعات معنایی و سیالیت گفتمانی در مورد صدور انقلاب در داخل کشور و واکنش‌های کشورهای محافظه‌کار منطقه‌ای با چالش‌هایی مواجه بود. در این میان، سه تفسیر رادیکال، فرصت‌طلب و محافظه‌کار از این عنصر گفتمانی، یکی از موانع مهم در طرح و اجرای صدور انقلاب بود.

۱-۲. دیدگاه رادیکال: این دیدگاه معتقد بود که منافع ملی با منافع آرمانی یکسان بوده و هر نوع نرمش در برابر نظام بین‌الملل مطرود و براندازی نظام‌های مخالف باید در اولویت برنامه‌های صدور انقلاب ایران قرار گیرد.

۲-۲. دیدگاه فرصت‌طلبانه: این دیدگاه منافع ملی را اصل و منافع آرمانی را فرع می‌دانست و تکیه اصلی را بر بازسازی ملی قرار داده و کوشش برای صدور انقلاب را به فراهم بودن شرایط بین‌المللی موکول می‌کرد.

۳-۲. دیدگاه محافظه‌کارانه: براساس این دیدگاه منافع آرمانی فاقد وجاهت بین‌المللی بوده و تنها منافع ملی باید مورد توجه قرار می‌گرفت. لذا پیروان این دیدگاه هرگونه فعالیت برای صدور انقلاب، عملی نادرست دانسته و آن را موجب برانگیختن حساسیت منفی جامعه جهانی علیه منافع ملی تلقی می‌کردند. این مسئله حتی در برخی اظهار و نظرات داخلی موجود در ایران مانند «انقلاب کالا نیست که بتوان آن را به‌وسیله کوله‌پشتی‌های انقلابی‌های ایران به دنیا صادر کرد» نیز مطرح می‌شد.

امام خمینی (ره) با نقد سه نگرش فوق و با تأکید بر ضرورت صدور انقلاب،

اولاً در پاسخ دیدگاه رادیکال تأکید می‌کردند که «ما می‌گوییم انقلاب باید به همه جا صادر شود این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای اسلامی از خودمان می‌دانیم، همه کشورها باید در جای خود باشند. (۲۰) ثانیاً از سوی دیگر امام در واکنش به دیدگاه فرصت‌طلبانه نیز می‌فرمودند: «دولت اسلامی باید تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهان است منصرف کنند». (۲۱)

ثالثاً امام در پاسخ محکم و کوبنده به دیدگاه محافظه‌کارانه بر صدور انقلاب تأکید می‌کردند. در واقع امام با تأکید بر ضرورت صدور انقلاب اسلامی و عدم پذیرش استفاده از ابزارهای نظامی و اقدامات فیزیکی، رویکردی فرهنگی و سیاسی نسبت به صدور انقلاب داشتند. به عبارت دیگر از منظر امام، گفتمان انقلاب اسلامی به خودی خود صادر خواهد شد زیرا که معرف آرمان‌های ملل محروم و مسلمانان مظلوم است و به‌طور طبیعی مورد پذیرش آنان است، بنابراین رمز صدور انقلاب تطبیق با فطرت انسانی است.

۳. حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و جنبش‌های اسلامی: یکی دیگر از رسالت‌های انقلاب اسلامی، موضوع «حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و جنبش‌های اسلامی» است، اهمیت این وظیفه و رسالت، که متأثر از ماهیت گفتمان اسلامی انقلاب شکل گرفته است، حتی به‌عنوان یک اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در اصل ۱۵۴ قانون اساسی تصریح شده است که: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». از سوی دیگر امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر این رسالت جهانی انقلاب فرموده‌اند: «ملت آزاده ایران هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطق‌شان توپ و تانک و سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم». (۲۲)

۴. مبارزه با صهیونیسم جهانی: در گفتمان انقلاب اسلامی مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم جهانی نقطه آجیدن مفصل بندی خرده گفتمان‌های مختلف در جمهوری اسلامی است. در واقع انقلاب اسلامی با ماهیتی ضدصهیونیستی و در تقابل با اسرائیل به‌وجود آمده و مسئله مبارزه با صهیونیسم جهانی همواره قبل و بعد از انقلاب مورد تأکید بوده است چنانچه در این زمینه امام خمینی (ره) در ابتدای شکل‌گیری انقلاب فرموده‌اند: «من نزدیک بیست سال است

که خطر صهیونیسم بین‌الملل را گوشزد نموده‌ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلابات آزادیبخش جهان و انقلاب اخیر اسلامی ایران نه تنها کمتر از گذشته نمی‌دانم که امروز این زالوهای جهان خوار با فنون مختلف برای شکست مستضعفان جهان قیام و اقدام نموده‌اند. ملت ما و ملل آزاد باید در مقابل این دسیسه‌های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی کند.» (۲۳) بر این اساس یکی از رسالت‌های جهانی گفتمان انقلاب اسلامی تلاش برای مبارزه جهانی با رژیم صهیونیستی تعیین شده است.

### تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل و نظام منطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران به سبب تأثیرات گسترده و پایدار آن در نظام منطقه‌ای و روابط بین‌الملل، پدیده‌ای پویا و مهم در میان انقلاب‌های جهان شناخته می‌شود. این تأثیرات انقلاب ایران که متأثر از ماهیت اسلامی آن به وجود آمده و همچنان تداوم دارد، در دو حوزه عملی و نظری قابل مشاهده است. در واقع انقلاب اسلامی، نه تنها به‌عنوان الگویی دینی و مردمی زمینه تحولات سیاسی اجتماعی در روابط بین‌الملل را به وجود آورده، بلکه به دلیل تأثیرات مهم آن در اندیشه‌های بین‌المللی، گفتمانی پویا و خودجوش را نیز پدید آورده است. در این میان مهم‌ترین تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل عبارت‌اند از:

#### الف) تأثیرات انقلاب اسلامی بر اندیشه‌های بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی، آثار و تأثیراتی است که انقلاب اسلامی بر سپهر اندیشه از خود بر جای گذاشته و به ماندگاری گفتمان انقلاب و پویایی آن نیز کمک کرده است. در این زمینه مهم‌ترین تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های زیر قابل بررسی است:

۱. احیای آموزه‌های دینی به‌عنوان منبع جدید اندیشه‌های رهایی‌بخشی و آزادی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هاله‌ای از افکار و عقاید الحادی تحت تأثیر قطب‌بندی ایدئولوژیک نظام بین‌الملل بر اذهان مردم جهان سایه افکنده بود. به گونه‌ای که جهان تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های اندیشمندانی مانند کارل مارکس، امیل دورکیم، ماکس وبر، حرکتی در جهت ترویج سکولاریسم و ایجاد یک جهان غیردینی و حاشیه رفتن دین به خود گرفته بود. در این شرایط و علی‌رغم اندیشه‌های سکولار سرمایه‌داری و مارکسیستی، انسان‌های محروم و مستضعف و ناامید از نظام سرمایه‌داری، تنها راه نجات خود را در روی آوردن به ایدئولوژی مارکسیسم تلقی می‌کردند و آموزه‌های دینی هیچ جایگاهی در سامان سیاسی و نظام روابط بین‌الملل نداشتند، زیرا که از نظر آنان، دین نقش پاسخ‌گویی و کارآمدی خود به نیازهای جامعه را در عصر مدرن از دست داده بود. (۲۴) در این وضعیت بود که پیروزی انقلاب

اسلامی به‌عنوان اولین انقلاب بزرگ سیاسی تاریخ که توسط یک رهبر مذهبی و با تکیه شدید بر بعد معنوی آن هدایت می‌شد، عملاً پیروزی یک فکر، مکتب و ایدئولوژی دینی در عصر تسلط اندیشه‌های سکولاریستی به حساب می‌آمد. براین اساس، آموزه‌های دینی به‌عنوان منبع الهام‌رهایی‌بخشی و آزادی که تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر دارد احیا شدند و محور فعالیت‌های سیاسی گروه‌ها، نهضت‌ها و دولت‌های مختلفی قرار گرفتند.

۲. بیداری و احیای تفکر اسلامی: انقلاب اسلامی علاوه بر احیای اندیشه‌های دینی به‌عنوان الگوی مبارزه و رهایی‌بخشی (که بر کلیه نهضت‌ها و جنبش‌های آزادیبخش و ملل مسلمان و غیرمسلمان تأثیر گذارد)، عملاً حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشتن و تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی نیز بود. در واقع جهان اسلام که پس از فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی به ضعف و زوال گراییده بود و حتی اندیشه‌های اسلامی در اذهان مردم و دولتمردان اسلامی ناکارآمد جلوه داده شده و تمایلات شدیدی به ایدئولوژی‌های شرق و غرب در مدیریت نظام‌های اسلامی به‌وجود آمده بود، با پیروزی انقلاب اسلامی متحول شد. در این شرایط عملاً با کاهش اعتبار و جاذبه اندیشه‌های غیرمذهبی مانند مارکسیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم، اصول‌گرایی و رستاخیز اسلامی احیا گردید. این مسئله سبب شد که ایدئولوژی انقلاب اسلامی به محور اقدام انقلابیون در جوامع اسلامی تبدیل شده و جریان اصول‌گرایی اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر تحولات سیاسی امنیتی جهان اسلام معرفی شود. (۲۵)

۳. ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی در جهان: فرهنگ حاکم بر سیاست بین‌الملل در اواخر قرن نوزدهم و بیستم مبتنی بر تقسیم قدرت بین‌المللی میان قدرت‌های بزرگ در قالب نظام چندقطبی و دوقطبی بود. در این نظام‌های بین‌المللی، امپریالیسم و استعمار و سلطه سیاسی اقتصادی و فرهنگی قدرت‌های بزرگ بر سایر کشورها، مهم‌ترین ویژگی سیستم بین‌المللی بود. این مسئله به‌ویژه پس از جنگ دوم جهانی در قالب نظام دوقطبی تشدید شده و جهان به دو اردوگاه رقیب تبدیل شده بود. در این میان اگرچه برخی دولت‌ها پس از کسب استقلال سیاسی، درصدد پیگیری سیاست عدم تعهد بودند، اما عملاً وابستگی سیاسی و اقتصادی آنان به یکی از دو قطب تداوم یافته بود. در این شرایط، انقلاب اسلامی با رویکرد نه شرقی و نه غربی و مبارزه با نظام سلطه‌طلبی در جهان، با تأکید بر گفتمان عدالت و آزادی، زمینه ظهور تفکر و فرهنگ ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی را به‌وجود آورد. این گفتمان فرهنگی و هویتی جدید، عرف نظام بین‌الملل دوقطبی را به هم ریخت و دو ابرقدرتی که آشتی‌ناپذیر و متخاصم به‌نظر می‌آمدند را در راستای تقابل با این



چالش جدید، به یکدیگر نزدیک کرد. از سوی دیگر فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه منبای تفکر و اقدام بسیاری از دولت‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و اندیشمندان و نخبگان سیاسی معاصر قرار گرفت.

### ب) تأثیرات عملی انقلاب اسلامی در منطقه و در نظام بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی از نظر بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل و به‌ویژه پژوهشگران حوزه مطالعات خاورمیانه، نقطه عطف مهمی در تحولات سیاسی امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه است. این تأثیرات که نشان‌دهنده اهمیت، جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در منطقه هستند عبارت‌اند از:

۱. تغییر نظام امنیتی و سیاسی خاورمیانه: پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی در ایران، عملاً به معنای انحلال دکترین دوستون نیکسون در منطقه بود. این استراتژی آمریکا که در راستای حفظ ثبات و امنیت و برقراری توازن میان شرق و غرب در خاورمیانه طراحی شده بود، ایران را به‌عنوان ژاندارم نظامی و عربستان را به‌عنوان تأمین‌کننده امکانات مالی و هزینه‌های تأمین امنیت خاورمیانه تعیین کرده بود. در این شرایط با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خروج آن از اردوگاه غرب و تأکید آن بر نه شرقی و نه غربی، عملاً نظام امنیتی و سیاسی خاورمیانه متحول شد.

۲. بی‌اعتباری نظام دوقطبی حاکم بر جهان: انقلاب اسلامی علاوه بر تغییر نظام سیاسی و امنیتی خاورمیانه، با تکیه بر اصل نه شرقی و نه غربی، اصل و مفروض بنیادین نظام دو قطبی را با چالش جدی مواجه ساخت. از سوی دیگر انقلاب اسلامی با تغییر برخی ترتیبات امنیتی سیاسی نظام دو قطبی در خاورمیانه، زمینه تقویت جریان عدم تعهد را نیز به وجود آورد. همچنین انقلاب ایران با تکیه بر ماهیت اسلامی خود، علاوه بر احیای قدرت جهان اسلام به‌عنوان بلوک مستقل و جدیدی در نظام بین‌الملل، عملاً با اعلام صریح حمایت از کلیه مستضعفان در قبال مستکبران، جبهه جدیدی را در تقابل با نظام دوقطبی پدید آورد.

۳. تقویت جریان اسلام‌گرایی در جهان: پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش گفتمان اصیل آن در سطح منطقه و در نظام بین‌الملل موج جدیدی از اسلام‌گرایی را در میان مردم کشورهای مختلف جهان (اعم از اسلامی و غیراسلامی) به وجود آورد. این مسئله تحت تأثیر فعالیت‌ها و عملکرد نظام مقدس جمهوری اسلامی در گستره جهانی و بین‌المللی تقویت شده و نگرانی کشورهای غربی را نیز برانگیخته است به‌گونه‌ای است که مسئله اسلام‌ستیزی و نگرانی از گسترش اسلام‌گرایی در غرب به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان تبدیل شده و زمینه‌های تقابل سیاسی فرهنگی علیه اسلام و دولت‌های اسلامی را به وجود آورده است.

۴. احیای جنبش‌های اسلامی در منطقه: اکثریت قریب به اتفاق محققان مسائل اسلام،

خاورمیانه و جهان عرب متفق‌القولند که انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین محرک جنبش‌های سیاسی اسلامی بوده است به گونه‌ای که گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت اصول‌گرایی اسلامی در منطقه و کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰ میلادی تبدیل شده است. (۲۶) در این میان انقلاب اسلامی در مواردی با تأثیر مستقیم از طریق ایجاد ارتباط با برخی از این گروه‌ها زمینه ظهور یا تقویت حرکت انقلابی آنان را به وجود آورده و در مواردی با تأثیر غیرمستقیم و با ایجاد فضای انقلابی اسلام سیاسی در خاورمیانه، زمینه اقدام آنان را مهیا کرده است. در مجموع مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی در انتخاب اسلام به‌عنوان ایدئولوژی مبارزه از سوی این جنبش‌ها و تلاش آنان برای دستیابی به حکومتی اسلامی مانند ایران بوده است.

۵. تضعیف جایگاه هژمونیک آمریکا در منطقه و در نظام بین‌الملل: انقلاب اسلامی ایران بی‌شک مهم‌ترین چالش پایدار سیاست خارجی آمریکا در ۳۰ سال گذشته بوده است. این انقلاب عملاً پایه‌های اعتبار آمریکا در سه حوزه نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را در منطقه و در نظام بین‌الملل متزلزل کرده است زیرا که آمریکا با فروپاشی نظام پهلوی در ایران، مهم‌ترین پایگاه سیاسی امنیتی خود در منطقه را از دست داده و با توسل به انواع روش‌های سیاسی نظامی و اقتصادی تاکنون نتوانسته است اعتبار گذشته خود را به دست آورد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی با تغییر نظام امنیتی سیاسی خاورمیانه، برنامه‌های استراتژیک آمریکا در منطقه را با چالش مواجه ساخته و گفتمان هژمونیک آن را نیز با احیای اصول‌گرایی اسلامی و اسلام انقلابی متزلزل کرده است.

۶. ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی: انقلاب اسلامی ایران با ارائه الگوی نظام سیاسی مبتنی بر تعالیم دینی و اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی و با نقد نظام‌های حکومتی موجود، جایگزین معنوی و انقلابی را برای سایر کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی مطرح کرده است. در این نظام با تأکید بر اصول و اهداف الهی و اسلامی و مشروعیت دینی آن، مردم نقش اساسی و کلیدی در تحقق و تداوم حکومت دارند. این نظام اسلامی به‌عنوان الگویی بومی، دمکراتیک و اسلامی در تقابل با نظام‌های شرقی و غربی مورد توجه مردم و نخبگان منطقه و جهان قرار گرفت. (۲۷)

۷. تقویت مبارزه با صهیونیسم در عرصه منطقه‌ای و جهانی: پیروزی انقلاب اسلامی و تجدید حیات اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه و جهانی‌سازی مسئله فلسطین و مبارزه با صهیونیسم یکی دیگر از پیامدها و تأثیرات مهم انقلاب اسلامی بوده است. این مسئله سبب شده است که اولاً گروه‌های اسلام‌گرای فلسطینی و غیرفلسطینی که جهاد را تنها راه آزادی قدس می‌دانستند (پس از سه دهه که اسلام از صحنه مبارزات فلسطین خارج شده بود) احیا

شدند و مجدداً مسئله فلسطین به مرکزیت نهضت اسلامی معاصر منتقل شد. ثانیاً انقلاب اسلامی در رویکرد ایدئولوژیکی رهبران و مردم مسلمان منطقه در مبارزه با صهیونیسم نیز تأثیر گذارد. به گونه‌ای که تفکرات پان عربیستی یا کمونیستی جای خود را به تفکرات اسلامی دادند. (۲۸) ثالثاً اقدامات جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین و مبارزه با صهیونیسم (که پذیرش مقامات بلند پایه فلسطینی در روزهای آغازین پیروزی انقلاب، تبدیل کنسولگری اسرائیل به سفارت فلسطین، اعطای لقب سفیر به نماینده ساف در ایران، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس، ارائه کمک‌های مالی و انسان‌دوستانه و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دیپلماتیک و سیاسی از جنبش‌های فلسطینی، مخالفت با روند سازش در خاورمیانه و تأسیس صندوق حمایت از مردم فلسطین تنها بخشی از سیاست خارجی ایران است) سبب شده است که آرمان آزادی قدس و فلسطین و مبارزه با رژیم صهیونیستی به مهم‌ترین دغدغه مردم منطقه تبدیل شده و حتی رهبران محافظه‌کار و سازش‌گرای خاورمیانه نیز در مقابل تجاوزات و جنایات رژیم صهیونیستی به انزوا کشیده شده و مجبور به اعتراض علیه این رژیم شوند.

### رویکرد کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال گفتمان انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اشاعه گفتمان اسلام سیاسی، زمینه‌ساز تغییرات و دگرگونی‌های بنیادینی در ترتیبات سیاسی امنیتی منطقه خاورمیانه شد. از این رو با تقویت تأثیرات انقلاب در منطقه از یک سو برخی از دولت‌ها همسو با توده‌های مسلمان در خاورمیانه و ملل مستضعف در جهان به ائتلاف حامیان انقلاب اسلامی پیوستند. با این وجود، از سوی دیگر بازتاب انقلاب در منطقه سبب شد که این نگرانی و احساس خطر در سران برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای که به دنبال حفظ وضع موجود بودند، به وجود آید که ممکن است انقلاب ایران موجب تغییرات اساسی و بنیادی بیشتری در منطقه شده و انقلاب‌هایی مشابه خود را نیز در کشورهای حوزه خاورمیانه به وجود آورد. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی سبب بروز نوعی تعارض و چالش در سیاست خارجی کشورهای منطقه نسبت به ایران و نظام بین‌الملل شد زیرا که از یک سو پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی سبب تقابل سیاست خارجی آنان با نظام سلطه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌شد و مشروعیت نظام سیاسی آنان را نیز به سبب نیاز آنان به حمایت خارجی و همچنین ضرورت ایجاد تغییراتی در رژیم‌های سیاسی خود بر اساس اصول گفتمان انقلاب مورد تهدید قرار می‌داد و از سوی دیگر عدم پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی نیز زمینه بحران هویت و مشروعیت نظام سیاسی آنان به سبب حمایت توده‌های مردم این کشورها از گفتمان انقلاب اسلامی را به وجود می‌آورد.

بنابراین برخی از کشورهای منطقه همسو با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکا، در جهت مقابله با این تهدیدات، طرح‌ها و اقدامات زیر را در دستور کار خود قرار دادند.

### ۱. تلاش برای جلوگیری از صدور انقلاب

یکی از مهم‌ترین دغدغه دولت‌های محافظه‌کار منطقه که به شدت نسبت به تغییرات انقلابی و مردمی و احیای اسلام سیاسی نگران بودند، مسئله صدور انقلاب ایران و گفتمان انقلاب اسلامی و تلاش نخبگان و توده‌های مردم منطقه برای الگوگیری از این انقلاب اسلامی بوده است. در این راستا اقدامات بسیاری برای مقابله با صدور انقلاب ایران صورت گرفته که القای ایران هراسی، ایجاد شکاف مذهبی و نژادی میان انقلاب اسلامی ایران و مردم منطقه در قالب تقابل گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان گفتمانی شیعی در مقابل اندیشه‌های سنی و حتی حمایت از عراق در جنگ تحمیلی برای مقابله با گسترش مدل انقلابی ایران بخشی از این سیاست‌ها بوده است. (۲۹)

### ۲. دخالت در امور داخلی ایران

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و شدت گرفتن تحولات سیاسی امنیتی در منطقه تاکنون یکی از مهم‌ترین الگوهای رفتاری در رویارویی با جمهوری اسلامی در قالب دخالت در امور داخلی ایران، همکاری امنیتی مشترک با ضد انقلاب، ایجاد شکاف در بین نیروهای انقلابی، اتهام نقض حقوق بشر و اقلیت‌ها و... نمایان شده است.

### ۳. دخالت نظامی و تحمیل جنگ علیه انقلاب ایران

مسئله جنگ تحمیلی با تحریک آمریکا و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم کشورهای محافظه‌کار عربی در راستای تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی و نگران از اشاعه آن در منطقه به‌وقوع پیوست.

### ۴. جنگ رسانه‌ای علیه نقش و جایگاه ایران در منطقه و در نظام بین‌الملل

از دیگر اقدامات مهمی که برخی از دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکا در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی در پیش گرفته‌اند تلاش برای مخدوش کردن وجه نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تبلیغات رسانه‌ای است. در این راستا تلاش می‌شود که ایران به حمایت از تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه هسته‌ای و مداخله در امور داخلی، سایر کشورها در راستای انگیزه‌هایی مانند گسترش نفوذ در منطقه، ایجاد هلال شیعه، احیای امپراتوری ایرانی در منطقه متهم شود. این اقدامات که در راستای ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی صورت می‌گیرد توسط رسانه‌های خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیگیری شده تا از این طریق از اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌ها، هنجارها و پیام انقلاب جلوگیری شود.

### ۵. اعمال تحریم اقتصادی سیاسی علیه ایران

با پیروزی انقلاب و به دنبال اشغال سفارت آمریکا و قطع روابط ایران و آمریکا، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی این کشور در قالب سیاست مهار با هدف محدودسازی انقلاب اسلامی ایران و در نهایت فروپاشی آن به اجرا درآمد. این تحریم‌ها تا کنون با توجیحات مختلفی مانند دکترین مهار دو جانبه، محور شرارت و... تداوم یافته و تشدید شده است.

### ۶. حمایت از فعالیت‌های براندازانه

یکی دیگر از اقدامات آمریکا در راستای مقابله با انقلاب ایران، تلاش برای افزایش مشکلات و نابسامانی‌های داخلی ایران بوده تا دولت ایران در اثر افزایش این اختلافات داخلی و مشکلات خارجی، دچار اضمحلال و فروپاشی شود. در این راستا حمایت‌های مالی و سیاسی از گروه‌های تروریستی ضد دولت جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفته است. (۳۰)

### ۷. تلاش برای براندازی نرم و انقلاب رنگین

طرح فروپاشی آرام و انقلاب رنگین که متأثر از استراتژی فروپاشی شوروی تدوین شده است، پروژه‌ای است که محور اصلی آن سازمان‌دهی نیروهای داخلی، ایجاد پایگاه‌های مستحکم نظیر مطبوعات وابسته و تشکل‌های سیاسی همسو، متحد ساختن مخالفان قانون اساسی حول شعار حذف اسلامیت از جمهوریت و سازمان‌دهی تهاجم فرهنگی است. در این راستا ایجاد رسانه‌های فارسی زبان و تلاش برای ایجاد بحران هویت از طریق تهاجم فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کند.

در مجموع، اگرچه رویکرد برخی از کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای به سبب تعارض بنیادین گفتمان اسلامی انقلاب ایران با گفتمان غربی و گفتمان اسلام محافظه کار و آمریکایی این کشورها نسبت به انقلاب ایران در راستای مقابله و رویارویی تدوین شده است، اما در این میان با گسترش اندیشه‌های اصیل گفتمان انقلاب اسلامی، دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و سایر مناطق و همچنین توده‌های مردم در سراسر جهان، تحت تأثیر انقلاب ایران قرار گرفته و عملاً ایران به حامی و مرکز اندیشه‌های رهایی‌بخش، آزادی مقاومت و عدالت‌محور تبدیل شده است.

### چالش‌های فراروی گفتمان انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل

اگرچه گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک یادگفتمان مهم در تقابل با گفتمان قدرت در خاورمیانه و نظام بین‌الملل، تأثیرات شگرفی در اندیشه و عملکرد مردم و کشورهای مختلف بر جای گذاشته است، اما این گفتمان همواره از گذشته و به‌ویژه در شرایط کنونی با چالش‌ها

عوامل بازدارنده و موانعی مواجهه بوده است. در این میان، این چالش‌ها به دلیل تغییرات به وجود آمده در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و سپس تأثیرات حادثه ۱۱ سپتامبر بر محیط بین‌الملل و تحولاتی مانند گسترش اسلام‌ستیزی در غرب، جایگزینی اسلام سیاسی به عنوان تهدید غرب به جای کمونیسم در دوران جدید، استفاده ابزاری از مبارزه با تروریسم و اسلام متحجرانه گروه‌هایی مانند القاعده برای تخطئه و تخریب اسلام ناب محمدی (ص)، تشدید فشارهای سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و حتی تهدیدهای نظامی در راستای تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی و... تقویت شده و توجه به آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این شرایط مهم‌ترین چالش‌های فراروی گفتمان اشاعه انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل عبارتند از:

۱. حاکمیت سیستم دولت ملت بر نظام بین‌الملل و اولویت منافع ملی در سیاست‌گذاری کشورها: یکی از اصلی‌ترین موانع بسط گفتمان انقلاب اسلامی، تسلط حاکمیت سیستم دولت محور در جهان بوده است. در این سیستم کشورها در چارچوب دولت مدرن و در راستای منافع ملی، مقدرات و محدودرات خود تصمیم‌گیری می‌کنند و جهت‌گیری آنان با مفاهیمی چون امت، مصالح اسلامی، جهان مستضعفین در مقابل دنیای مستکبرین و... متفاوت است. علاوه بر این وابستگی این کشورها به قدرت‌های بزرگ در راستای منافع‌شان عملاً هرگونه استقلال عمل برای تحقق اصول گفتمان انقلاب اسلامی را با چالش مواجه ساخته است.

۲. حاکمیت دولت‌های اقتدارگر در جهان اسلام: اکثر دولت‌های اسلامی که مخاطب اصلی پیام گفتمان انقلاب اسلامی، دولت‌های محافظه‌کاری هستند که به دنبال حفظ وضع موجود می‌باشند. این دولت‌ها که با سرکوب قیام‌ها و جنبش‌های اسلامی و غیراسلامی اجازه نفوذ و رسوخ عمیق ارزش‌های اسلامی نشئت گرفته از انقلاب اسلامی را به قلمرو ملی خود نمی‌دهند، مانع مهمی در توسعه ارزش‌ها و هنجارهای گفتمان انقلاب اسلامی هستند. این مسئله سبب شده است که در برخی از موارد، این دولت‌ها در راستای تضعیف گفتمان انقلاب ایران به حمایت از مواضع مقابله‌جویانه سیاسی اقتصادی و نظامی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روی آورند. چنانچه در طول جنگ تحمیلی، عراق از حمایت همه‌جانبه این کشورها برخوردار بوده و در شرایط کنونی نیز برخی از این کشورها به دنبال عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی در تقابل با زنجیره مقاومت اسلامی در خاورمیانه هستند. (۳۱)

۳. تبلیغات منفی علیه گفتمان انقلاب اسلامی و تلاش برای ساخت و القای هویت متفاوتی از انقلاب: یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های فراروی گفتمان انقلاب، تبلیغات منفی و جهت‌داری است که از سوی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا و همچنین برخی از کشورهای عربی به‌ویژه محافظه‌کاران مسلمان طرفدار عربستان سعودی و مصر در مورد شیعی بودن انقلاب ایران، انگیزه‌های بلندپروازانه آن در منطقه، تلاش برای ایجاد هلال شیعی، مداخله در امور داخلی کشورهای عربی

و تلاش برای سلطه بر آنان و... صورت می‌گیرد. بر این اساس در رسانه‌ها، مطبوعات و نشریات کشورهای محافظه‌کار و میانه‌روی عربی، موضوعات بسیاری در این باره منتشر می‌شود تا از نفوذ انقلاب اسلامی در میان اکثریت اعراب سنی جلوگیری شده و انقلاب اسلامی محدود به جریانی قومی و تهدیدی برای منطقه و نظام بین‌الملل تلقی شود.

۴. پان عربیسم: تأکید بر ماهیت ایرانی انقلاب اسلامی و تمایز آنان با اعراب و تأکید بر هویت پان‌عربی و طرح اختلافات تاریخی میان اعراب و ایرانیان یکی دیگر از موانع و چالش‌های فراروی اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. این مسئله به حدی از اهمیت برخوردار است که از نظر برخی از نخبگان عرب، ایرانیان همواره به دنبال ایجاد ارتباط با آمریکا و اسرائیل در راستای تضعیف اعراب در منطقه هستند.

۵. استراتژی‌های مقابله‌جویانه قدرت‌های بزرگ: ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیرات آن در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی و تهدید منافع قدرت‌های بزرگ سبب شده است که همواره این کشورها در صدد تقابل با انقلاب ایران برآیند. این مسئله با ابزارهای سیاسی اقتصادی، فرهنگی و نظامی پیگیری شده و همواره موانع و چالش‌هایی را فراروی انقلاب اسلامی قرار داده است.

۶. عدم اجماع داخلی در مورد شیوه‌ها و ابزارهای تأثیرگذاری گفتمان انقلاب در نظام بین‌الملل: اگرچه همواره گفتمان انقلاب اسلامی مخرج مشترک کلیه اندیشه‌های نخبگان و توده‌های مردم در کشور بوده و در کلیه اسناد فرادستی مانند قانون اساسی، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز، برنامه‌ها توسعه، قوانین عادی و... نیز بر آن تأکید شده است، اما اختلافاتی در مورد شیوه‌ها و ابزارهای اعمال گفتمان انقلاب اسلامی وجود داشته است. این اختلافات در مواردی سبب سوءاستفاده دشمنان خارجی و کند شدن روند توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل شده است.

مجموعه این چالش‌ها و موانع فراروی گفتمان انقلاب اسلامی، ضرورت آسیب‌شناسی سیاست‌های گذشته نظام در قبال تأثیرگذاری آن در نظام بین‌الملل و تنظیم چشم‌انداز اجرایی متناسب با تحولات سیاسی نظام بین‌الملل در شرایط کنونی را آشکار می‌سازد. در این زمینه لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. پابندی به اصول گفتمان انقلاب اسلامی و اجتناب از عقب‌نشینی از اصول، ارزش‌ها و هنجارهای هویت انقلاب، تنها راهکار غلبه بر چالش‌ها و موانع فراروی گفتمان انقلاب اسلامی است زیرا که هرگونه عقب‌نشینی از این اصول منجر به تضعیف موقعیت و جایگاه انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل و در میان ملت‌های مسلمان و مستضعفین جهان خواهد شد.

۲. عدم اجماع موجود در مورد ابزارها و روش‌های تداوم گفتمان انقلاب اسلامی (که به‌واسطه تغییر خرده‌گفتمان‌های انقلاب و گردش نخبگان صورت می‌گیرد) باید به همگرایی نیروهای

موجود در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شود تا از قبض و بسط گفتمان و رویکردهای موازی یا متعارض جلوگیری شده و سوءاستفاده دشمنان خارجی از این مسئله غیرممکن شود. این مسئله به‌ویژه در شرایط کنونی که تمرکز برای القای مسائلی مانند ایران هراسی، بزرگ‌نمایی تهدید ایران برای منطقه و نظام بین‌الملل، تلاش آن برای ایجاد تفرقه قوی در خاورمیانه، سیاست آن در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و... در دستور کار دولت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکا و برخی کشورهای منطقه‌ای قرار گرفته است، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۳. با توجه به نقش مهم مردم به‌عنوان اصلی‌ترین رکن استقرار و تداوم گفتمان انقلاب اسلامی، تقویت مشارکت سیاسی مردم نقش مهمی در حمایت از گفتمان انقلاب اسلامی و توسعه آن دارد. از این رو ضروری است که هم‌زمان با تقویت ابعاد بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی، افزایش ثروت ملی و رفاه اجتماعی در اولویت قرار گیرد.

۴. از آنجایی که هر گفتمان برای تداوم و توسعه خود نیازمند آسیب‌شناسی بازخورد آن در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، ضروری است استراتژی‌ها و سیاست‌های گفتمان انقلاب اسلامی، الگوها و روندها، ابزارها و روش‌های آن برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌الملل و ملت‌های جهان و جایگاه کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد و با اولویت‌بندی اهداف گفتمان انقلاب اسلامی و لحاظ شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی دهه چهارم انقلاب تدوین شود. این مسئله به‌ویژه در سیاست‌های خرده گفتمان مورد نظر رئیس‌جمهور منتخب دهه چهارم باید همراهی با اهداف کلان گفتمان انقلاب اسلامی تعیین و بهترین و عملی‌ترین روش و ابزار کارآمد مورد اجماع کلیه نخبگان سیاسی در دستیابی به آن نیز به‌صورت عینی و عملیاتی طراحی شود.

## نتیجه‌گیری

ظهور انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. این مسئله متأثر از بستر گفتمانی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و همچنین اهداف و رسالت‌های بین‌المللی گفتمان آن بوده است زیرا که گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان پادگفتمان نظام هژمونیک گفتمان غربی، تلاشی برای بازتولید گفتمان تفاوت و مقاومت در برابر غرب و شرق بوده و با تأکید بر هویت‌رهایی بخشی گفتمان خود، در صدد تبدیل شدن به گفتمان قدرت در سطح منطقه و نظام بین‌الملل برآمده است. از سوی دیگر تلاش نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق اهداف گفتمان انقلاب و تأثیرات آن در حوزه اندیشه‌های بین‌الملل و در سطح تعاملات سیاسی امنیتی خاورمیانه نیز عملاً سبب شده است که گفتمان انقلاب ایران، نقش مهمی در تحولات سیاسی اجتماعی، فرهنگی و امنیتی منطقه و نظام بین‌الملل داشته باشد. در این میان، تغییر معادلات



سیاسی جهان، صدور انقلاب، حمایت از نهضت‌های آزادیبخش، مبارزه با صهیونیسم جهانی، مهم‌ترین ابعاد بین‌المللی انقلاب بوده‌اند. از سوی دیگر گفتمان انقلاب اسلامی سبب بیداری و احیای تفکر اسلامی در منطقه شده و با ارائه الگوی مردم‌سالار دینی و تقویت جریان اسلام‌گرایی در جهان، به بی‌اعتباری نظام دو قطبی و به‌ویژه تضعیف جایگاه هژمونیک آمریکا منجر شده است. این تأثیرات گسترده و پایدار گفتمان انقلاب اسلامی عملاً سبب جهت‌گیری و رویارویی قدرت‌های محافظه‌کار منطقه‌ای و ابرقدرت‌هایی که منافع آنان در خاورمیانه با چالش مواجه شده است گردیده و اقدامات وسیعی در راستای مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی و اشاعه ارزش‌ها و پیام‌های آن صورت گرفته است. با وجود این و علی‌رغم چالش‌های فراروی گفتمان اسلامی انقلاب ایران، این گفتمان هم‌اکنون به گفتمانی پویا و تاثیرگذار میان مسلط توده‌های مردم و نخبگان سیاسی خاورمیانه و نظام بین‌الملل در راستای مقابله با گفتمان تحمیلی غربی تبدیل شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- پی‌نوشت‌ها**
۱. هوارت، دیوید. نظریه گفتمان در مارش دیوید و استوکر جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران ۱۳۷۸، ص ۲۲۰
  - Focault M. The Archaeology of Knowledge, London: Tavistock, 1988.2
  ۳. تاجیک، محمد رضا. سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر، فرهنگ گفتمان، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۶
  ۴. هوارت، دیوید، پیشین، ص ۲۰۱
  ۵. برای مطالعه بیشتر نک:
    - Philips L & Jorgensen M. Discourse Analysis as Theory and Method, London Sage Publication, 2002
    - Torfinn Jacob. New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Zizek, Oxford; Blackwell, 1999.
  ۶. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه انتشاراتی ایران، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۲۲
  ۷. هوارت، دیوید، پیشین، ص ۲۰۲
  ۸. برای مطالعه بیشتر نک: ادیب زاده مجید. زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۷
  ۹. مجرد، محسن. تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۷۵.
  ۱۰. مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱، صص ۴۱ و ۴۲.
  ۱۱. دهشیری، محمدرضا. درآمدهایی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۸۵-۲۶۰.
  ۱۲. جهان‌بین، اسماعیل. «دیدگاه‌های جهانی امام خمینی (ره)»، حصون، ش ۳، بهار ۱۳۸۴.
  ۱۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ۱۱/۱۸/۱۳۶۳، ص ۲۲۱.
  ۱۴. صحیفه نور، ج ۳، ۱۳۵۷/۸/۱۵، ص ۳۱.
  ۱۵. دهشیری، محمدرضا. اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی، در مجموعه آثار کنگره امام خمینی و حکومت اسلامی، ج ۶، ص ۶۳.
  ۱۶. مشیرزاده، حمیرا. تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، در نسرين مصفا، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۲.
  ۱۷. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم: انقلاب اسلامی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۳۵.
  ۱۸. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰.
  ۱۹. صحیفه امام، ج ۱۲، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.
  ۲۰. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۱.
  ۲۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸.
  ۲۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳۸.
  ۲۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷۷.
  ۲۴. مجرد، محسن. پیشین، ص ۱۱۴.
  ۲۵. امرایی، حمزه. انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
  ۲۶. دکمچیان، هراير. اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، ص ۸
  ۲۷. مجرد، محسن. پیشین، صص ۱۹۰-۲۱۶.
  ۲۸. شیرودی، مرتضی. انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی، رواق اندیشه، ۱۳۸۳، شماره ۳۰.
  ۲۹. نوازی، بهرام. «الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۷۵-۲۶۷.
  ۳۰. معیادی حمید و خداوردی حسن. قدرت‌های بزرگ و جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
  ۳۱. فلاح‌نژاد، علی. سیاست صدور انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۳۹-۱۶۰.